

تحلیل درون گروهی سازمان منافقین؛

از عملیات رمضان و آینده جنگ*

	<p>ناکامی رزمندگان اسلام در رسیدن به اهداف نهایی خود در عملیات رمضان، سازمان مجاهدین خلق را که در آن روزها در فاز مبارزه مسلحانه با رژیم جمهوری اسلامی قرار داشت، بسیار خشنود ساخت. آنان که در طول یک سال پس از علنی ساختن مبارزه مسلحانه خود با جمهوری اسلامی ایران دائماً نوبد سقوط قریب الوقوع آن را به هواداران خود می دادند و توفیقی کسب نمی کردند، با شرایط حاصله از عملیات رمضان، امیدواری های فراوانی نسبت به تحقق شعارهای شان پیدا کردند. گرچه تحلیل درون گروهی ذیل که از تشکیلات سازمان منافقین در خوزستان به دست آمده، آکنده از اخبار دروغ و تحلیل های غلط است (مثال نادیده گرفتن فداکاری ها و مجاهدت های رزمندگان در بازپس گیری سرزمین های اشغالی و شکست ارتش عراق در عملیات هایی نظیر طریق القدس، فتح المبین و بیت المقدس و آن را به حساب تاکتیک ویژه عراقی ها! با عنوان عقب روی گذاشتن) اما آشنایی با ذهنیت معشوش سران سازمان مذکور، برای محققان تاریخ ایران به ویژه نسل جدید بسیار درس آموز می باشد. اظهار شادمانی از شکست ایرانیان و امیدواری نسبت به تشدید اختلافات داخلی و ایجاد اجماع نظر در جامعه جهانی و کشورهای منطقه علیه ایران از سوی مسئولان سازمان منافقین، در شرایطی که ملت ایران مصمم به احقاق حق خویش و تنبیه متجاوز بود، لکه ننگی است که تا ابد گریبانگیر این سازمان و سران آن خواهد بود.</p>	<p>اشاره</p>
--	---	--------------

سند درون گروهی منافقین (تشکیلات خوزستان)

درجه حفاظتی: سری.

موضوع: نظریات کارشناس راجع به جنگ در تاریخ ۶۷۵/۶
س. علت شکست اخیر ایران را چگونه ارزیابی و تأثیرات آن را چگونه بازگو می کنید؟

ج. مسأله ای که بایستی ابتدا به آن بدان توجه نمود هنر عراقی ها در استفاده از تاکتیک معروف «عقب روی» می باشد که بارها و بارها عراق از این تاکتیک در طول دو سال جنگ استفاده نموده است و به اتکاء همین روش توانست بخش اصلی نیروهای

خود را از ایران خارج کند. در این تاکتیک معمولاً با تحمل حداقل تلفات نیروهای اصلی از صحنه نبرد خارج می شوند تا در موقعیت مناسب تری برای حمله قرار بگیرند، به عنوان مثال عراقی ها در تخلیه خرمشهر با تسلیم شدن تعدادی از نیروهایشان و سرگرم کردن ایرانی ها توانستند بخش عمده و اصلی نیروها و ادوات خود را خارج کنند به طوری که در تصرف خرمشهر حتی یک توپ هم به جای نگذاشتند.
این عمل عراقی ها هرگز مورد قبول سران ارتجاعی رژیم نبوده است و آنها هر عقب روی را به حساب عقب نشینی

تیرباران شدند و حتی بین محسن رضایی و صیاد شیرازی درگیری لفظی پیش آمد، تضادها سرپوش گذاشته شد ولی این خود نقطه عطفی بود در رابطه بین سپاه و ارتش و بعد آن درگیری از این سطح فراتر رفت و به شورای عالی دفاع کشیده شد و ظهیر نژاد جهت آن به دیدار «ا» رفت ولی دیدار مصادف با پیروزی بود و «ا» او را تحویل نگرفت. شکست اخیر بار دیگر دست جناح لیبرال ارتش را بازتر خواهد کرد و امکان بیشتری پیدا خواهند نمود. اگر یکی دو شکست دیگر از این نوع داشته باشیم کار مطمئناً فراتر از آن خواهد رفت که تصور می شود. در همین حد تغییرات کابینه بی ربط با آن مسأله نمی باشد و من مطمئنم که در آینده تضادها آن چنان بالا خواهد گرفت که تغییر کلی در جامعه راه دیگری برای حل آن پیدا نخواهد شد.

س. آینده جنگ را چگونه ارزیابی می کنید؟

ج. آینده جنگ به آن بستگی دارد که رژیم از این شکست به چه نتیجه ای می رسد آیا راه صلح را برمیگزیند؟ به نظر من اینکار را نخواهد کرد و به احتمال ۹۰٪ اکنون حمله مجدد می باشد. گرچه من از طرح مشخصی اطلاع ندارم، اینها بجز راهی را که پیموده اند راه دیگری ندارند و تصور بازگشت، یعنی تلاش رژیم و از دست دادن تمام نیروهایی که تحت تأثیر جنگ گرد آورده اند. پس به ناچار حمله خواهند کرد یا شکست می خورند و یا پیروزی می شوند که در هر صورت چاره ای جز سقوط ندارند زیرا اکنون دیگر جنگ عامل وحدت نیست و من امیدوارم که پیروز شوند و یا حداقل به پیروزی هایی دست پیدا کنند که در این صورت سقوط خود را تسریع خواهند کرد. چرا که مطمئناً تصرف سرزمین عراق، کویت، عربستان و... را فعالانه تر از قبل وارد صحنه خواهند نمود و طبعاً مشکلات اقتصادی - اجتماعی فراوان تری از الان برای رژیم فراهم خواهد شد.

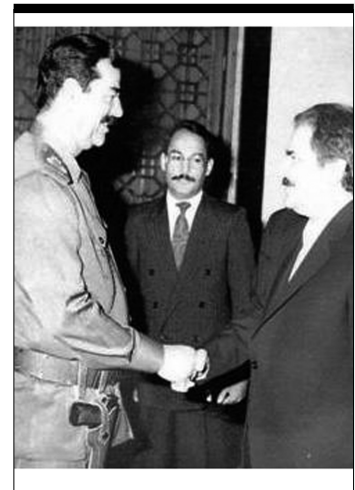
س. از نظر نظامی چگونه راه سقوط تسریع می شود؟

ج. اگر در این شرایط (ضعف ایران) عراق بر خطوط مواصلاتی و تدارکاتی حمله ببرد و آنها را از کار بیندازد و یا از مناطق غرب بدون هیچ مانعی جدی وارد خاک ما شده و تادز فول پیش آید، می تواند ضربات کمرشکنی بر رژیم وارد کند که تبعات اجتماعی - اقتصادی به دنبال خواهد داشت. و در کنار آن عملیات، سازمان ما و تبلیغات آن می تواند سرعت این سقوط را دو چندان کند. علاوه بر آنچه که گفتیم، اگر یکی دو حمله دیگر از این نوع انجام شود، کمر ارتش و سپاه شکسته و آنگاه شما در شهرها به راحتی می توانید سیستم پلیسی رژیم را از کار بیندازید.

زیر فشار و ضربات رزمندگان اسلام تصور می کردند و بر این خیال مرتباً تهاجم می نمودند و برنامه تهاجم می ریختند، بر شیوه حزب الهی حمله تأکید می ورزیدند چرا که آن را عامل اصلی پیروزی های خود برمی شمردند. در جریان حمله اخیر، عراق از همین تاکتیک سود برد و توانست با عقب روی ابتدایی از جلو نیروهای ایرانی آنها را به داخل دشت صاف بصره بکشاند و از طرف دیگر نیروهای دیگرش از پشت، راه را بر ایرانی ها بستند و بدین ترتیب ضربه مهلکی بر آنها وارد آوردند. در مورد تأثیرات حمله بایستی بگویم که دو تأثیر عمده خواهد داشت: یکی، آفت روحیه پرسنل ارتشی و دیگر، تشدید تضاد بین سپاه و ارتش می باشد. آفت روحیه از الان خود را به خوبی نشان می دهد، در هیچ یک از

حملات گذشته این تعداد

کشته، زخمی و اسیر نشده بودند و اگر تلفات بالا بوده، پیروزی هایی نیز کسب شده بود. ولی اکنون شکست، وضع جبهه ها را تزلزل داده، فرار که در گذشته به صورت تک نمودی دیده می شد، اکنون به صورت جریانی تبدیل می شود. نمونه های فراوانی از فرار از اواسط راه اعزام به جبهه از شهرها و دهات



گزارش شده است تبلیغات وسیع رژیم جهت جذب نیرو به جبهه ها بیان کننده همین واقعیت است. البته هنوز زود است که بخواهیم شاهد درهم ریختن وضع جبهه ها از طریق فرار سربازها و بسیجی ها باشیم ولی دیر یا زود این اتفاق خواهد افتاد، مگر اینکه رژیم صلح را برگزیند که به نظر چنین نمی رسد. در مورد تضادها و کیفیت آن بایستی به سیر تحول آنها اشاره ای بکنیم تا متوجه شوید که این تضادها کم کم دارند، به مرحله کیفی خود نزدیک می شوند. وجود اختلاف بین سپاه و ارتش امر بدیهی است ولی زمانی که عراق در ایران بود، این تضادها هیچ گاه بدان صورت باز نشد که در دسر جدی فراهم کند. حتی در جریان حمله اول به خرمشهر زمانی که تعدادی از افسران بنا به حکم دادگاه صحرائی مبنی بر عدم رعایت دستور،

۱. ایران جهت حمله به عراق تمامی نیروهای خود را از غرب به جنوب آورده است، اکنون حفاظت آن منطقه در دست نیروهای ژاندارمری است.